

ما می گوئیم:

(۱) مرحوم شهید صدر مدعی هستند که هیچ کس قائل به این نیست که امر عقیب حظر دلالت بر وجوب می کند و لذا قول دوم را بالکل منکر هستند. ایشان می نویسند:

«إذا ورد الأمر عقیب الحظر أو فی مورد توهمه فقد اتفقوا علی انه لا يدل علی الوجوب، و وقع بحث فیما بینهم حول ظهوره حینئذ فی الإباحة أو الحکم السابق أو عدم ظهوره فی شیء منهما.»<sup>۱</sup>

(۲) قول هفتم را مرحوم شیخ محمد رضا اصفهانی در وقایة الأذهان به نوعی پذیرفته است. ایشان می نویسند:

«ورود الأمر عقیب الحظر، بل عقیب توهمه، قرینة غالبیة علی عدم كونه للوجوب، فلا یحمل علیه إلاّ بدلیل أو قرینة معارضة قویة، و یكون مفاده حینئذ رفع الحظر السابق، و فرضه كعدم، و لازم ذلك غالباً رجوع الحکم الأول، فیجب إن كان قبل واجبا، كقوله تعالى: فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ وَ یجوز إن كان جائزاً مثل: وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ. و بهذا یظهر لك ما فی القول المشهور من المسامحة، و هو كونه للإباحة.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. نفس عقیب حظر بودن قرینه است بر اینکه آمر از امر اراده وجوب نکرده است و لذا جز در صورتی که قرینه قوی تری وجود داشته باشد، چنین امری را بر وجوب حمل نمی کنیم.
۲. در این صورت معنی امر آن است که حظر و نهی برداشته شده است و بیش از این معنی ندارد. طبیعی است که در این صورت حکم قبلی هر چه باشد رجوع می کند.
۳. پس معلوم می شود که نظر مشهور که چنین امری را دال بر اباحه می دانند همراه با مسامحه است چراکه اولاً امر دال بر اباحه نیست و صرفاً حرمت را بر می دارد و ثانیاً حکم اباحه در صورتی است که حکم سابق اباحه بوده باشد.

کلام مرحوم عراقی:

مرحوم عراقی در این بحث، از طریقه دیگری مشی کرده است. ایشان می نویسند:

«ان بنینا علی حجیة أصالة الحقیقة من باب التبعید العقلائی فلا شبهة فی ان لازمه هو الحمل علی الوجوب ما لم یکن فی البین قرینة قطعیة علی الخلاف، حیث ان مجرد وقوعه عقیب الحظر أو توهمه لا یمنع عن الحمل علی

۱. بحوث فی علم الأصول؛ ج ۲؛ ص ۱۱۷

۲. وقایة الأذهان؛ ص ۱۹۵



الحقيقة، و أما لو بنينا على حجيتها من باب الظهور التصديقي كما هو التحقيق ففي ذلك لا مجال للحمل على الوجوب، لأنه بمحض اقترانه بما تصلح للقرينية ينتفى ظهوره فيما كان ظاهرا فيه، فلا يبقى له ظهور في الوجوب بل و لا في الاستحباب أيضا بحيث لو قام بعد ذلك دليل على الخلاف يحكم بالمعارضة بينهما، ضرورة انه بعد ارتفاع ظهوره في الوجوب لا مقتضى في تعيين ظهوره في غيره من الاستحباب أو الإباحة بالمعنى الأخص بل هو يصير حينئذ مجملا من تلك الجهة غير ظاهر في شيء مما ذكر إلّا مع قيام القرينة في البين على إرادة الندب أو الإباحة أو على حكم ما قبل النهي، و إلّا فمع خلوّ المقام عن القرينة لا يكون فيه ظهور لا في الوجوب و لا في الندب و لا في الإباحة بالمعنى الأخص.»<sup>١</sup>

